

خودشیفتگی، عزت نفس و ابعاد پر خاشگری در نوجوانان

حسن شفیعی^۱
دکتر مجید صفاری نیا^۲

چکیده

پژوهش حاضر به موضوع خودشیفتگی، عزت نفس و پر خاشگری در نوجوانان می‌پردازد. پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه بین خودشیفتگی، عزت نفس و پر خاشگری و مقایسه آن در نوجوانان دختر و پسر صورت گرفت. ۲۵۸ نوجوان (۱۲۴ پسر و ۱۳۴ دختر) ۱۸-۱۴ ساله با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای چند مرحله‌ای به عنوان نمونه انتخاب شدند. پرسشنامه‌های شخصیت خودشیفته (NPI-16) عزت نفس و پر خاشگری بر روی نمونه اجرا گردید. به منظور تحلیل داده‌ها از ضریب همبستگی پیرسون، تحلیل رگرسیون چندگانه و آزمون T مستقل استفاده گردید. نتایج این پژوهش نشان داد که بین خودشیفتگی و متغیرهای عزت نفس و پر خاشگری رابطه مثبت و بین عزت نفس و پر خاشگری رابطه معکوس معناداری وجود دارد. نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه نشان داد که عزت نفس پایین بیشترین سهم را در پیش‌بینی پر خاشگری در نوجوانان بر عهده دارد. یافته‌های این پژوهش نشان داد که هیچ‌گونه تفاوت جنسی در ویژگی‌های خودشیفتگی و عزت نفس در بین نوجوانان وجود ندارد و تفاوت جنسی در ابعاد پر خاشگری در نوجوانان فقط در بعد پر خاشگری فیزیکی مشاهده گردید. نتایج این پژوهش می‌تواند از جهت نظری و بالینی در فهم بهتر ارتباط بین خودشیفتگی، عزت نفس و پر خاشگری در دوره نوجوانانی سودمند باشد.

کلیدواژه‌ها: خودشیفتگی، عزت نفس، پر خاشگری، نوجوانان

۱. کارشناس ارشد روان‌شناسی بالینی، عضو هیئت علمی دانشگاه پیام نور دلجان

E-mail: h_shafiee@pnu. ac. ir

۲. دکتری تخصصی روانشناسی، استادیار دانشگاه پیام نور

مقدمه

خودشیفتگی هم در مفهوم بالینی و هم در مفهوم روان‌شناسی اجتماعی دارای تاریخچه‌ای طولانی می‌باشد که به اواخر قرن ۱۸ بر می‌گردد (کمبل و فاستر، ۲۰۰۷؛ مورف و ردوالت، ۲۰۰۱). در روان‌شناسی بالینی خودشیفتگی با نوشته‌های فروید، کرنبرگ و کوهات شروع به برجسته شدن کرد و در ادامه منجر به شکل‌گیری اختلال شخصیت خودشیفته^۱ گردید. خودشیفتگی که بطور گسترده به عنوان یک اختلال شخصیت مورد مطالعه قرار گرفته است، دارای چنین ویژگی‌هایی می‌باشد: احساس عمیق از اهمیت شخصی، اشتغال ذهنی با تخیلات موفقیت، باور به اینکه فرد خاصی است یا بی‌همتاست، احساس غیر واقعی از محق بودن، بهره‌کشی در روابط بین فردی، عدم همدلی با دیگران، حسادت و ورزیدن به دیگران و داشتن نگرش متکبرانه مشخص می‌شود (APA، ۲۰۰۰).

توجه روان‌شناسان اجتماعی و شخصیت به خودشیفتگی در سال‌های اخیر به شدت افزایش پیدا کرده است و یک تغییر کلی در دیدگاه آنان در مورد خودشیفتگی ایجاد شده است به طوری که سطوح غیر بالینی خودشیفتگی را به عنوان یک بعد و به صورت یک پیوستار از «بهنجار» تا «خودشیفته» مانند سایر صفات شخصیتی در نظر می‌گیرند (فاستر و کمبل، ۲۰۰۷؛ میلر و کمبل، ۲۰۰۸). براساس این دیدگاه خودشیفتگی لزوماً جنبه مرضی نداشته بلکه خودشیفتگی از دیدگاه روانشناسی اجتماعی و شخصیت مرتبط با بهزیستی روان‌شناختی مثبت و عزت نفس بالا می‌باشد (سلکایدز و همکاران، ۲۰۰۴).

خودشیفتگی به عنوان یک سبک طبیعی شخصیت با ویژگی‌های اقتدار^۲، خودنمایی^۳، برتری جویی^۴، محق بودن^۵، بهره‌کشی^۶، خودستایی^۷ و غرور^۸

1. narcissistic personality disorder
2. authority
3. exhibitionism
4. superiority
5. entitlement
6. exploitativeness
7. self-sufficiency
8. vanity

مشخص شده است. نتایج پژوهشی که توسط اسکنز، مورف و ترنر (۱۹۹۸) به منظور بررسی تفاوت‌های جنسی در ساختار خودشیفتگی صورت گرفت نشان داد که مردان و زنان به طور کلی شباهت‌های قابل توجهی در خودشیفتگی دارند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که تفاوت در خودشیفتگی در زنان و مردان پیچیده بوده و مردان و زنان در جنبه‌های مختلف خودشیفتگی دارای شباهت‌ها و تفاوت‌هایی می‌باشند.

خودشیفتگی بهنجار شامل احساس خودبزرگ‌بینی است اما به طور همزمان دارای خودپنداشت آسیب‌پذیری است که معمولاً در کودکان و بزرگسال دیده می‌شود (دامیس و همکاران، ۲۰۰۸^b). از آنجا که تصویری که یک فرد خودشیفته از خودش دارد به وضوح متکبرانه^۱ است، بنابراین افراد خودشیفته بطور دائم نگران و درگیر حفظ عزت نفس غیرواقعی خودشان از طریق مکانیزم‌های متعدد بین فردی و درون فردی می‌شوند که این موضوع آنها را بسیار آسیب‌پذیر می‌سازد (مورف و ردوال، ۲۰۰۱).

اگر چه بطور متداول خودشیفتگی به عنوان سازه‌ای در نظر گرفته می‌شود که معادل عزت نفس بسیار بالا می‌باشد اما شواهد تجربی و نظری اخیر بین این دو مفهوم کاملاً تمایز قائل می‌شوند و این دو همبستگی قدرتمندی با هم ندارند (براون و همکاران، ۲۰۰۴). بشمن و بامیستر (۱۹۹۸) خودشیفتگی را به عنوان سرمایه‌گذاری هیجانی یک فرد در «ایجاد برتری خودش» توصیف می‌کنند در حالی که احتمالاً حسی که او دارد این است که «هنوز این برتری را بدست نیاورده است». عزت نفس به عنوان یک ارزشیابی کلی از محاسن فرد می‌باشد (بامیستر و همکاران، ۲۰۰۳) بدون نیاز به اینکه فرد برانگیخته شود که این محاسن را به رخ دیگران بکشد کاری که یک فرد خودشیفته معمولاً انجام می‌دهد (بشمن و بامیستر، ۱۹۹۸). با وجود تمایزات ساختاری، تحقیقات با بزرگسالان نشان داده است که عزت نفس و خودشیفتگی دارای یک ارتباط مثبت معنی‌داری می‌باشند (کرنیس و سان، ۱۹۹۴؛ راسکین و همکاران، ۱۹۹۱).

باور در مورد پرخاشگری انسانی این است که رفتار پرخاشگرانه یک ویژگی شخصیتی است و به طور متداول افراد پرخاشگر به عنوان کسانی در نظر گرفته می‌شوند که نگرش منفی در مورد خودشان دارند یا دارای عزت نفس پایین می‌باشند. فراتحلیل‌های مختلف نشان داده‌اند که مردان معمولاً به طور معناداری نمرات بالاتری را نسبت به زنان در مقیاس‌های رفتارهای پرخاشگرانه دارند (بتن کورت و همکاران، ۲۰۰۶). آرچر (۲۰۰۴) فرا تحلیلی را بروی ۷۸ مطالعه‌ای که به مقایسه اشکال غیر مستقیم پرخاشگری در مردان و زنان از کودکی تا بزرگسالی پرداخته بودند، انجام داد. نتایج این فراتحلیل نشان داد که در کودکان و نوجوانان تفاوت جنسی در پرخاشگری غیر مستقیم وجود ندارد.

پرخاشگری مستقیم^۱ و پرخاشگری فیزیکی^۲ در پسران نسبت به دختران بیشتر است. علیرغم اینکه انتظار می‌رود که دختران پرخاشگری غیر مستقیم^۳ بیشتری را نسبت به پسرها از خود بروز دهند، ادبیات پژوهشی که به تفاوت جنسی در این مقوله پرداخته‌اند، بی‌ثبات می‌باشد (کارد و همکاران، ۲۰۰۸). مرور فراتحلیل صورت گرفته بر روی ۱۴۸ مطالعه صورت گرفته در مورد تفاوت‌های جنسی در پرخاشگری مستقیم و غیر مستقیم در کودکان و نوجوانان نشان داد که تفاوت جنسی در پرخاشگری مستقیم وجود دارد و پسران دارای پرخاشگری فیزیکی بیشتری هستند و هیچ‌گونه تفاوت جنسی در پرخاشگری غیر مستقیم در بین دو جنس مشاهده نگردید (کارد و همکاران، ۲۰۰۸).

به دلایل بالینی و نظری مطالعه مکانیزم‌های روان‌شناختی زیربنایی تمایلات پرخاشگرانه در زمانی که آنها آشکار می‌شوند، مهم می‌باشند. برخی از محققین خودشیفتگی و عزت نفس را به عنوان یک عامل خطر ساز برای رفتار پرخاشگرانه شناسایی کرده‌اند (بشمن و بامیستر، ۱۹۹۸؛ پیوز و آکرول، ۱۹۹۸؛ کرنیس و سان، ۱۹۹۴). مطالعات پیشین نشان داده‌اند که پرخاشگری به صورت منفی مرتبط با عزت نفس می‌باشد و به صورت مثبت مرتبط با خودشیفتگی

-
1. direct aggression
 2. physical aggression
 3. indirect aggression

است. با این حال ادبیات پژوهشی مرتبط با این موضوع دارای یافته‌های بی ثباتی است (لاک، ۲۰۰۹).

باور مرسوم در بین روان شناسان این است که عزت نفس پایین اصلی ترین پیش‌بینی‌کننده خشونت و پرخاشگری می‌باشد. بر اساس نظریه عزت نفس پایین افراد به دلیل احساس خود بی‌زاری^۱ برانگیخته می‌شوند که به صورت پرخاشگرانه نسبت به موقعیت‌ها و افرادی که شایستگی آنها را به چالش می‌کشد برخورد کنند تا بدین وسیله عزت نفس خودشان را افزایش دهند (اسکریر، ۲۰۰۲). افراد با عزت نفس پایین در دنیای واقعی مستعد مشکلات برونی شده مانند بزهکاری و رفتارهای ضداجتماعی می‌باشند. (برای مثال فرگوسن و هورود، ۲۰۰۰).

یک دیدگاه این است که افرادی که دارای عزت نفس پایین هستند سعی می‌کنند که با تسلط پرخاشگرانه بر دیگران عزت نفس پایین خود را افزایش دهند (جنکاسکی، ۱۹۹۱؛ تاک، ۱۹۹۳). دیدگاه دیگر این است که عزت نفس پایین باعث بروز گرایش به خطرپذیری در گروه‌های خشن می‌گردد (لانگ، ۱۹۹۰). عزت نفس پایین منجر به شکل‌گیری یک «خرده فرهنگ از خشونت» می‌گردد زیرا منابع متداول عزت نفس در دسترس نمی‌باشد و به همین دلیل پرخاشگری به عنوان یک منبع جایگزین در نظر گرفته می‌شود (پیز و آکرول، ۱۹۹۸). رویکردهای دیگر بیان می‌کند که همه افراد تمایل دارند که خودشان را مطلوب در نظر بگیرند و این تمایل برای افراد دارای عزت نفس پایین نگرانی اصلی می‌باشد، به طوری که باعث می‌شود به دنبال موقعیت‌هایی باشند که در آن حرمت نفس آنها مورد چالش قرار گرفته است زیرا رد کردن این چالش‌ها باعث فراهم آوردن مجالی برای کسب عزت نفس می‌گردد (تاک، ۱۹۹۳).

شواهد متداول نشان‌دهنده این هستند که عزت نفس پایین مرتبط با پرخاشگری و خشونت بیشتر می‌باشد (اندرسون، ۱۹۹۴؛ تاک، ۱۹۹۳؛ لانگ، ۱۹۹۰). استاب (۱۹۹۶) بیان می‌کند که پرخاشگری مرتبط با عزت نفس پایین

است. اگر چه او مدعی است که هیچ گونه رابطه علی - معلولی بین عزت نفس و پرخاشگری وجود ندارد.

ارتباط بین عزت نفس و پرخاشگری موضوعی بحث‌انگیز و مبهم می‌باشد (بری و همکاران، ۲۰۰۷؛ پیز و آکرول، ۱۹۹۸) به طوری که برخی بیان می‌کنند که عزت نفس بالا عامل خطرآفرین بیشتر بروز پرخاشگری می‌باشد (بامیستر و همکاران، ۲۰۰۰) و شواهد دیگر نشان داده‌اند که عزت نفس پایین عامل خطر آفرین بیشتری برای پرخاشگری در نوجوانان و بزرگسالان می‌باشند (دونلن و همکاران، ۲۰۰۵). مطالعات متعددی دریافته‌اند که برخی از افراد پرخاشگر خودانگاره بسیار مثبت و ناپایداری را دارا می‌باشند (بامیستر و همکاران، ۱۹۹۶؛ کرنیس و همکاران، ۱۹۹۳). مطالعات اخیر دیدگاهی که عزت نفس پایین را علت پرخاشگری می‌دانست را زنده کرده‌اند. قابل توجه‌ترین مطالعات صورت گرفته یک جفت مطالعه طولی صورت گرفته توسط دونلن و همکاران (۲۰۰۵) می‌باشد که نتایج آن نشان داد که کودکانی که نمرات پایین‌تری در عزت نفس به دست آورده بودند رفتارهای بزهکارانه بیشتری را نشان دادند و مطالعه سوم که نشان داد عزت نفس پایین مرتبط با نمرات بالاتر در مقیاس پرخاشگری در بین دانشجویان می‌باشد (چرسنوسکی و همکاران، ۲۰۰۶).

سالمیولی (۲۰۰۱) بیان می‌کند که تمایزهای کیفی (برای مثال عزت نفس بالای سالم در مقابل عزت نفس بالای ناسالم) می‌توانند پیش‌بینی‌کننده‌های بهتری از پرخاشگری باشند تا فقط در نظر گرفتن عزت نفس بروی یک پیوستار. برای مثال کسانی که به صورت خودشیفته دارای عزت نفس بالا می‌باشند و در نتیجه نمی‌توانند خودشان را بصورت منفی ببینند، احتمال بیشتری دارد که رفتار پرخاشگرانه را از خودشان بروز دهند (بری و همکاران، ۲۰۰۷).

گرایش به نشان دادن اعمال پرخاشگرانه و بی‌توجهی به حقوق دیگران می‌تواند مرتبط با عزت نفس متورم^۱ ناشی از خودشیفتگی باشد (بامیستر و همکاران، ۱۹۹۶؛ بشمن و بامیستر، ۱۹۹۸؛ پیز و آکرول، ۱۹۹۸؛ راسکین و

همکاران، ۱۹۹۱). کسانی که در آزمون شخصیت خودشیفته^۱ نمرات بالایی می‌گیرند افرادی نسبتاً سلطه‌گر، خودنما، خود محور و افراط‌گرا می‌باشند و این خصیصه‌ها می‌توانند به احتمال زیاد افرادی را که دارای سطح بالای خودشیفتگی می‌باشند را مرتکب انجام اعمال پرخاشگرانه به عنوان یک عمل سودمند کند (سالمیولی، ۲۰۰۱).

در مرور گسترده ادبیات پژوهشی، بامیستر و همکارانش (۱۹۹۶) اعتقاد دارند که خشونت معمولاً زمانی روی می‌دهد که نگرش‌های مغرورانه و غیر واقعی در مورد خود و باورهای بی‌ثبات در مورد برتری فردی مورد تهدید قرار می‌گیرند. چنین مفاهیمی از خود دوستداری مفرط، مرتبط با خودشیفتگی می‌باشند (دامیس و همکاران، ۲۰۰۸^۲). نتایج یک فراتحلیل که توسط بشمن و بامیستر (۲۰۰۲) صورت گرفت نشان داد که خودشیفتگی یک متغیر پیش‌بینی‌کننده برای خشونت می‌باشد. بر اساس نظریه وینک (۱۹۹۱) دو نوع متفاوت از خودشیفتگی وجود دارد که این دو به طور متفاوتی مرتبط با پرخاشگری می‌باشند. خودشیفتگی نهان^۲ یا عزت نفس پایین پاسخ‌های پرخاشگرانه کمتری را ایجاد می‌کند. درمقابل خودشیفته‌هایی که عزت نفس بالا دارند که به آنها خودشیفته‌های آشکار^۳ گفته می‌شود به طور خاص در شرایطی که مورد انتقاد قرار می‌گیرند پرخاشگر می‌شوند.

لاک (۲۰۰۹) با انجام تحقیقی بر روی ۱۵۶ دانشجوی دوره لیسانس مقیاس‌های پرخاشگری، عزت نفس و خودشیفتگی را پر کردند. نتایج این بررسی نشان داد که عزت نفس و خودشیفتگی دارای اثرات متضادی بر روی پرخاشگری هستند به طوری که عزت نفس به صورت منفی مرتبط با پرخاشگری و خودشیفتگی به صورت مثبت مرتبط با پرخاشگری است. مطالعات میدانی دریافته‌اند که بین نمرات بالا در آزمون شخصیت خودشیفته که خودشیفتگی آشکار را اندازه‌گیری می‌کند و تجربه کردن یا ابراز خشم (پیز و

1. narcissistic personality inventory-NPI

2. covert narcissism

3. overt narcissists

آکرول، ۱۹۹۸) و خصومت (راسکین و همکاران ردوالت و مورف، ۱۹۹۵) رابطه وجود دارد (بشمن و بامیستر، ۱۹۹۸). بر روی نمونه دانشجویان دریافتند که سطوح بالای پرخاشگری مرتبط با خودشیفتگی می‌باشد. شواهد اولیه بیانگر این است که افراد خودشیفته‌ای که دارای عزت نفس بالا می‌باشند به صورت ویژه مستعد پرخاشگرانه رفتار کردن می‌باشند (وینک، ۱۹۹۱؛ پیز و آکرول، ۱۹۹۸). پیز و آکرول (۱۹۹۸) دریافتند که افراد با سطوح بالای خودشیفتگی احتمال بیشتری دارد که خشم را ابراز یا تجربه کنند، در حالی که کسانی که دارای عزت نفس بالا اما خودشیفتگی پایین هستند، این چنین نبودند.

مطالعات زیادی خودشیفتگی را با خشم، خصومت و پرخاشگری به دنبال گرفتن بازخورد منفی^۱، طرد شدن یا رویدادهای تهدید کننده مرتبط می‌کنند (بامیستر و همکاران، ۲۰۰۰؛ ردالت و مورف، ۱۹۹۸؛ اسمالی و استیک، ۱۹۹۶؛ استاک و اسپورر، ۲۰۰۳). برای مثال تونج و کمبل (۲۰۰۳) دریافتند که خصومت بالا^۲ پس از دریافت بازخورد منفی مرتبط با عزت نفس بالا بود اما زمانی که خود بزرگ بینی^۳ سلطه‌گری و خودشیفتگی کنترل شدند، خصومت بالا مرتبط با عزت نفس پایین بود. بشمن و بامیستر (۱۹۹۸) نیز دریافتند که بزرگسالانی که نمرات بالایی در پرسشنامه شخصیت خودشیفته گرفته بودند نسبت به ارزیابی منفی به صورت معناداری با پرخاشگری جابجا شده^۴ واکنش نشان می‌دادند.

ارتباط بین خودشیفتگی و پرخاشگری در بزرگسالان در وضعیت‌های طبیعی (برای مثال بشمن و بامیستر، ۱۹۹۸؛ هیسرن و واهس، ۲۰۰۰؛ دونلن و همکاران، ۲۰۰۵؛ ردوالت و مورف، ۱۹۹۵؛ تونج و کمبل، ۲۰۰۳) و آزمایشگاهی تایید شده است (بری، چاپلین و گریفمن، ۲۰۰۶؛ ریدی و همکاران، ۲۰۰۸). الگوی خودگردانی^۵ (مورف و ردوالت، ۲۰۰۱) در مورد خودشیفتگی مدعی است از آنجا که احساس فرد خودشیفته در مورد خودش کاملاً متورم است، بنابراین

-
1. negative feedback
 2. high-hostility
 3. grandiosity
 4. displaced aggression
 5. self-regulatory model

بسیار آسیب‌پذیر می‌باشد. براساس این الگو افراد خودشیفته مدام نگران هستند و برانگیخته می‌شوند تا عزت نفس متورم خودشان را از طریق مکانیزم‌های متعدد درون فردی و بین فردی حفظ کنند. وقتی افراد خودشیفته با یک تهدید من^۱ مواجه می‌شوند از پرخاشگری به عنوان یک مکانیزم برای بازسازی عزت نفسشان و یا برای تنبیه منبع خاص تهدید استفاده می‌کنند (بشمن و بامیستر، ۱۹۹۸). این چنین واکنش‌های خودشیفته پرخاشگرانه را می‌توان به عنوان یک مکانیزم انطباقی برای تنظیم خلق، انگیزش و رفتار در نظر گرفت (واشبرن و همکاران، ۲۰۰۴).

بر اساس نظریه خودپرستی تهدید شده^۲ (بامیستر و همکاران، ۱۹۹۶) پرخاشگری احتمال بیشتری دارد که در بین افرادی که بطور استثنایی دارای عزت نفس بالا هستند دیده شود تا افراد دارای عزت نفس پایین (آنجن، ۲۰۱۰). این نظریه برای تمام کسانی که دارای عزت نفس بالا می‌باشند کاربرد ندارد و خاص کسانی است که دارای عزت نفس ناپایدار و شکننده می‌باشند، مانند افراد خودشیفته (بامیستر و همکاران، ۱۹۹۶؛ بامیستر و بامیستر، ۱۹۹۸). افراد خودشیفته چه کودک و چه بزرگسال وقتی من آنها مورد تهدید قرار گیرد به احتمال زیاد شروع به پرخاشگری و آزار دادن دیگران می‌کنند (برای مثال؛ بشمن و بامیستر، ۱۹۹۸؛ استاک و اسپورر، ۲۰۰۳؛ دامیس و همکاران، ۲۰۰۸).

نظریه خودپرستی تهدید شده (بامیستر و همکاران، ۱۹۹۶) مفاهیم قراردادی در مورد رابطه مثبت بین عزت نفس و پرخاشگری را به چالش کشیده است. بر اساس این نظریه پرخاشگری به احتمال زیاد در کسانی که به صورت استثنایی دارای عزت نفس بالا می‌باشند در مقایسه با افراد با عزت نفس پایین بیشتر است. خصوصا اگر آنها با تهدیدی روبرو شوند که خودپنداشت مثبت آنها را مورد تهدید قرار بدهد. نظریه خودپرستی تهدید شده برای تمام کسانی که دارای عزت نفس بالا هستند، کاربرد ندارد بلکه اختصاص به افرادی دارد که دارای عزت

1. ego threat

2. threatened egotism theory

نفس شکننده و ناپایدار هستند مانند افراد خودشیفته (بشمن، بامیستر، ۱۹۹۸).
مطالعات صورت گرفته در زمینه ارتباط بین پرخاشگری و خودشیفتگی اکثراً
بر روی نمونه‌های مذکر صورت گرفته است (برای مثال مارتینز و همکاران،
۲۰۰۸؛ ریدی و همکاران، ۲۰۰۸). علت بخشی از داده‌های مختلف و بی ثبات در
این زمینه را می‌توان به این مساله مربوط کرد. به طور مثال ارتباط بین
پرخاشگری و خودشیفتگی در نمونه‌های متعدد مردان یافت شده است (برای
مثال مارتینز و همکاران، ۲۰۰۸) اما در آزمودنی‌های زن این ارتباط گزارش نشده
است (بشمن و بامیستر، ۱۹۹۸). در مجموع حمایت محکمی در ادبیات پژوهشی
بزرگسالان وجود دارد مبنی بر این یافته که افراد پرخاشگر گرایش به دارا بودن
ویژگی‌های خودشیفتگی یا خود پنداشت مثبت غیر واقعی دارند (انگ، یوسف،
۲۰۰۵).

ادبیات مربوط بزرگسالان بیان می‌کند کسانی که دارای خودشیفتگی بالا
هستند در معرض خطر بیشتری برای رفتارهای پرخاشگرانه هستند در حالی که
ارتباط بین عزت نفس و پرخاشگری به خوبی روشن نیست. علاوه بر این عزت
نفس یک فرایند تحولی است و به نظر می‌رسد ارتباطش با پرخاشگری و شاید
خودشیفتگی در طول زمان در حال تغییر باشد. برای مثال برخلاف بزرگسالان،
یافته‌های اولیه فقط نشان‌دهنده یک ارتباط ضعیف بین خودشیفتگی و عزت نفس
در کودکان می‌باشد (بری و همکاران، ۲۰۰۳). مطالعات صورت گرفته بر روی
جمعیت کودک و نوجوان بیان می‌کنند که عزت نفس پایین مرتبط با پرخاشگری
در کودکان قبل از نوجوانی است اما این ارتباط در نوجوانی رو به کاهش یا حتی
معکوس می‌گردد (لاچمن و داج، ۱۹۹۴).

بیشتر تحقیقات صورت گرفته در دوران کودکی نشان‌دهنده عدم وجود رابطه
بین عزت نفس پایین و پرخاشگری در این دوره از رشد می‌باشند (دامیس و
همکاران، ۲۰۰۸). یکی از دلایل ممکن برای این نتایج این است که عزت نفس
پایین فقط در دوره نوجوانی باعث بروز پرخاشگری می‌گردد، زیرا نوجوانان در

مقایسه با کودکان بیشتر نگران حفظ خودانگاره^۱ مطلوب خود می‌باشند (هارتر، ۲۰۰۶). اما برخلاف این استدلال تحقیقات زیادی نیز هیچ گونه ارتباطی را بین عزت نفس پایین و پرخاشگری در دوره نوجوانی نیافته‌اند (برای مثال: دونلن و همکاران، ۲۰۰۵؛ اسپوسیتو و همکاران، ۲۰۰۵).

نوجوانی دوره ای حساس در رشد جسمانی و روان شناختی است. علاوه بر همه این تغییرات جسمانی، نوجوانان در حال انتقال به یک حالت خودشیفتگی سالم^۲ می‌باشند که به صورت احساس «خوب بودن، بهزیستی و غرور» آنها را برانگیخته می‌کند. افکار و رفتار شبیه به اختلال شخصیت خودشیفته در بین نوجوانان شایع و طبیعی است. برای مثال خودپسندی و خودمحوری نوجوانان باعث اشتغال ذهنی آنها درباره جذابیت، عشق می‌شود (فاتحی زاده و همکاران، ۱۳۸۶). نوجوانان که دارای خودشیفتگی آشکار بالا می‌باشند، احتمال بیشتری دارد که عزت نفس بالاتری نیز داشته باشند و خودشان را در مرکز توجه ببینند. رشد مناسب و سالم عزت نفس در طی نوجوانی بسیار مهم می‌باشند. عزت نفس نه تنها باعث شکل‌گیری دیدگاه سالمی از خود می‌شود بلکه نقش بسیار مهمی در شکل‌گیری شخصیت سالم در دوره بزرگسالی نیز دارد (چن، ۲۰۰۶). یک موضوع متناقض در ادبیات پژوهشی این است که خودشیفتگی در بین نوجوانان همه‌گیر می‌باشد و به نوعی مرتبط با وضعیت تحولی آنها می‌باشد. از دیدگاه تحولی خصوصاً از دیدگاه روان تحلیل‌گری خودشیفتگی به عنوان یک وضعیت بهنجار دوران نوجوانی تلقی می‌گردد که به عنوان یک دفاع و یک تدبیر خلاقانه تحول خود مثبت می‌باشد (میلر و کمبل، ۲۰۰۸). خودشیفتگی و عزت نفس به طور مثبتی در نوجوانان با هم مرتبط هستند (بری و همکاران، ۲۰۰۷^b). لپسلی و آلسما (۲۰۰۶) دریافتند که در نوجوانان خودشیفتگی به صورت بارزی وجود دارد و این پدیده مرتبط با الگوهای بدکارکردی گسترده ای در نوجوانی می‌گردد. مطالعات کمی اثرات خودشیفتگی و عزت نفس بر روی پرخاشگری را در

1. self-image

2. healthy narcissism

نوجوانان مورد بررسی قرار داده‌اند. کمبود تحقیقات صورت گرفته در این زمینه تعجب برانگیز است زیرا نوجوانی دوره‌ای است که پایه‌های درازمدت رفتارهای پرخاشگرانه یا غیر پرخاشگرانه در آن بنا می‌شود (برای مثال؛ لویر و هی، ۱۹۹۷). برخی مطالعات صورت گرفته نشان داده‌اند که خودشیفتگی مرتبط با دسته‌ای از مشکلات سازگاری اجتماعی- روان شناختی شامل پرخاشگری (بری و همکاران، ۲۰۰۹؛ واشبرن و همکاران، ۲۰۰۴)، بزهکاری (بری و همکاران، ۲۰۰۷^b) و مشکلات سلوکی (بری و همکاران، ۲۰۰۳) در نوجوانان می‌باشد. تحقیقاتی که سایر اشکال عزت نفس ضعیف و علائم برونی کردن^۱ را مورد بررسی قرار داده‌اند نشان داده‌اند که کودکان و نوجوانانی که در ادراک خویشان و توانمندی‌هایشان اغراق می‌کنند احتمال زیادی دارد که پرخاشگر شوند (دیوید و کیسترن، ۲۰۰۰؛ هیمل و همکاران، ۱۹۹۰). بری و همکاران (۲۰۰۳) با استفاده از پرسشنامه شخصیت خودشیفته دریافتند که تعاملی بین خودشیفتگی و عزت نفس وجود دارد خصوصاً نمرات بالا در خودشیفتگی فقط در شرایطی که با عزت نفس پایین ترکیب شود مشکلات سلوکی^۲ بیشتری را پیش بینی می‌کنند. همچنین نوجوانانی که نمرات بالا در خودشیفتگی و عزت نفس پایین داشتند به طور معناداری مشکلات سلوکی بیشتری را ایجاد کردند در حالی که نوجوانانی که نمرات بالاتری در خودشیفتگی داشتند و نمرات بالاتری در عزت نفس داشتند مشکلات سلوکی کمتری داشتند. واشبرن و همکاران (۲۰۰۴) اظهار می‌کنند که خودشیفتگی سازگارانه^۳ یک عامل محافظت کننده در مقابل پرخاشگری است بویژه در بین نوجوانانی که دارای عزت نفس بالایی هستند.

مطالعه بری و همکاران (۲۰۰۷^b) که با هدف بررسی ارتباط بین خودشیفتگی و بزهکاری در یک نمونه از نوجوانان در معرض خطر صورت گرفت نشان داد که خودشیفتگی ناسازگارانه بطور معناداری مرتبط با بزهکاری، پرخاشگری آشکار^۴

-
1. externalizing
 2. conduct problem
 3. adaptive narcissism
 4. overt aggression

پرخاشگری رابطه‌ای^۱ بود. همچنین نتایج این مطالعه نشان داد که اگر چه خودشیفتگی سازگاران مرتبط با بزهکاری، پرخاشگری آشکار و پرخاشگری رابطه‌ای است اما در شرایط که خودشیفتگی ناسازگاران^۲ کنترل گردید هیچ گونه ارتباط معناداری مشاهده نگردید. مطالعه دیگری که با هدف بررسی ارتباط بین ویژگی‌های خودشیفتگی با پرخاشگری و علائم درونی‌سازی در نوجوانان صورت گرفت نشان داد که بهره‌کشی بطور مثبتی پیش‌بینی‌کننده پرخاشگری پیش‌گستر می‌باشد در حالیکه خودنمایی بطور مثبتی علائم درونی‌سازی را پیش‌بینی نمود (واشبرن و همکاران، ۲۰۰۴). بری و همکاران (۲۰۰۷) گزارش کردند که در کودکان بسیار پرخاشگر، خودشیفتگی پیش‌بینی‌کننده پرخاشگری کنش‌گرایانه و واکنشی^۳ است.

انگ و یوسف (۲۰۰۶) به مطالعه ارتباط بین پرخاشگری، خودشیفتگی و عزت نفس در کودکان و نوجوانان آسیایی پرداختند. دو گروه دانش‌آموز پرخاشگر و غیر پرخاشگر در ویژگی‌های خودشیفتگی و عزت نفس مورد آزمون قرار گرفتند. ارتباط مثبتی بین خودشیفتگی و پرخاشگری بدست آمد، در حالی که عزت نفس در دو گروه پرخاشگر و غیر پرخاشگر تفاوت زیادی را نشان نداد. برنجن و همکاران (۱۹۹۸) دریافتند که نوجوانان با عزت نفس پایین‌گرایش به پذیرش نگرش مثبت به سمت رفتار بزهکارانه و ملحق شدن با هم‌تاهای منحرف پیدا می‌کنند. بنابراین بیشتر مداخلات در زمینه نوجوانان پرخاشگر و ضداجتماعی بر روی افزایش خود‌انگاره نوجوانان متمرکز شده‌اند (تبات و همکاران، ۱۹۹۷). لوا و همکاران (۲۰۱۰) به بررسی ارتباط بین خودشیفتگی، مشکلات رفتاری و اضطراب در نوجوانان پرداختند. در این پژوهش خودشیفتگی به طور مثبت معناداری مرتبط با بزهکاری در نوجوانان بود. به طور کلی عزت نفس به صورت منفی مرتبط با درونی‌کردن و برونی‌کردن مشکلات بود. آنها تعاملی بین عزت نفس و خودشیفتگی در پرخاشگری آشکار مشاهده کردند به ویژه در سطوح بالای عزت نفس، خودشیفتگی به طور معناداری مرتبط با

1. relational aggression

2. maladaptive narcissism

3. proactive & reactive aggression

پرخاشگری آشکار بود. در حالی که در سطوح پایین عزت نفس اینطور نبود. با توجه به مباحث مطرح شده، پژوهش حاضر، درصدد پاسخ به این سؤال است که کدامیک از متغیرهای عزت نفس و خودشیفتگی پیش‌بینی‌کننده قوی‌تری از پرخاشگری در نوجوانان است؟

روش

پژوهش حاضر از نوع علی-مقایسه‌ای است. جامعه آماری شامل کلیه دانش‌آموزان دختر و پسر ۱۸-۱۴ ساله دبیرستان‌های دولتی شهرستان دلیجان در سال تحصیلی ۸۹-۹۰ بود. انتخاب نمونه‌ها با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای چند مرحله‌ای صورت گرفت. ابزار گردآوری داده‌ها شامل فرم کوتاه پرسشنامه عزت نفس کوپر اسمیت که یک مقیاس خودگزارشی دارای ۳۵ سوال می‌باشد و برای ارزیابی میزان عزت نفس طراحی شده است. در این پرسشنامه عزت نفس کلی مطرح شده است که در نهایت مجموع امتیازات آزمودنی نمره کل عزت نفس را بدست می‌دهد که دامنه آن از ۳۵ تا ۱۴۰ متغیر است. ضریب پایایی این آزمون از طریق روش بازآزمایی در مورد پسران و دختران دبیرستانی به ترتیب ۰/۹۰ و ۰/۹۲ و ضریب روایی آن از طریق همبستگی با معدل آخر سال به ترتیب ۰/۶۹ و ۰/۷۱ گزارش شده است (حسینی نسب، ۱۳۸۱). پرسشنامه پرخاشگری باس و پری (۱۹۹۲) شامل ۲۹ سوال می‌باشد که ۴ جزء از رفتارهای پرخاشگری از قبیل پرخاشگری فیزیکی و کلامی، خشم و خصومت را اندازه‌گیری می‌کند. باس و پری پرخاشگری را به عنوان یک ویژگی شخصیتی و مرکب از این چهار جزء می‌شناسند. آنها بیان می‌کنند که پرخاشگری فیزیکی و کلامی جزء رفتاری را معرفی می‌کند و خشم جزء هیجانی و عاطفی و خصومت بیان‌کننده جزء شناختی پرخاشگری می‌باشد. ضریب الفای کرونباخ برای پرسشنامه پرخاشگری حدود ۰/۸۹ و اعتبار بازآزمایی آن ۰/۸۰ بدست آمده است (پورشهریاری، ۱۳۸۸). پرسشنامه شخصیت خودشیفته نسخه کوتاه شده پرسش نامه ۴۰ گویه‌ای شخصیت خودشیفته (راسکین و تری، ۱۹۸۸؛ به نقل از محمدزاده، ۱۳۸۸) می‌باشد که براساس مفاهیم روان‌شناسی اجتماعی از خودشیفتگی می‌باشد و به منظور سنجش ویژگی‌های مرتبط با شخصیت

خودشیفته در گروه غیر بالینی توسط آموز و همکاران (۲۰۰۶) ساخته شده است. این پرسش نامه دارای ۱۶ گویه‌ای بوده و فاقد زیر مقیاس می‌باشد و خودشیفتگی را براساس رویکرد تک بعدی ارزیابی می‌کند. ضریب پایایی بازآزمایی، ضریب همبستگی در تعیین پایایی تنصیفی و ضریب آلفای کرونباخ در سنجش همسانی درونی این پرسشنامه به ترتیب ۰/۸۴، ۰/۷۴ و ۰/۷۹ بدست آمده است (محمدزاده، ۱۳۸۸). جدول ۱ خصوصیات جمعیت شناختی آزمودنی‌ها را بر اساس سن و جنسیت را نشان می‌دهد.

جدول ۱. خصوصیات جمعیت شناختی آزمودنی‌ها بر اساس، سن و جنسیت

سن		تعداد	گروه
انحراف معیار	میانگین		
۱/۰۸	۱۵/۷۴	۱۳۴	دختر
۰/۹۵	۱۵/۸۶	۱۲۴	پسر
۱/۰۲	۱۵/۸۰	۲۵۸	کل

یافته‌ها

با توجه به اینکه این پژوهش توصیفی از نوع علی-مقایسه‌ای است به منظور تحلیل داده‌های پژوهش از آزمون‌ها آماری ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون چندگانه و برای بررسی تفاوت‌های جنسی در متغیرهای پژوهش در بین نوجوانان از آزمون T مستقل استفاده گردید. کلیه تحلیل‌های آماری پژوهش با استفاده از نرم افزار آماری spss ۱۱/۵ انجام گرفت. آمارهای توصیفی مربوط به متغیرهای پژوهش در جدول ۲ آمده است.

جدول ۲. آمارهای توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر	میانگین	انحراف معیار
پرخاشگری	۸۰/۱۸	۱۷/۰۳
عزت نفس	۹۷/۳۸	۱۱/۷۶
خودشیفتگی	۵/۲۴	۲/۸۸

برای آزمون فرضیه‌های پژوهش از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شد. جدول ۳ نتایج این آزمون را نشان می‌دهد.

جدول ۳. همبستگی بین متغیرهای پژوهش

متغیرها	خودشیفتگی	عزت نفس	پرخاشگری
خودشیفتگی	۱	۰/۱۳۵*	۰/۱۸۵**
عزت نفس	-	۱	-۰/۳۶۹***
پرخاشگری	-	-	۱

$$p < ۰/۰۵^* < p < ۰/۰۱ p < ** ۰/۰۰۱ ***$$

نتایج این تحلیل نشان می‌دهد که بین خودشیفتگی با عزت نفس ($r=۰/۱۳۵$) و پرخاشگری ($r=۰/۱۸۵$) همبستگی مثبت معناداری وجود دارد. همچنین بین پرخاشگری و عزت نفس همبستگی معکوس معناداری ($r=-۰/۳۶۹$) وجود دارد. به منظور پیش‌بینی پرخاشگری با استفاده از خودشیفتگی و عزت نفس از تحلیل رگرسیون چندگانه استفاده شد. نتایج رگرسیون چندمتغیره با استفاده از روش Enter مدل معناداری را نشان داد ($F_{۲,۲۵۵}=۳۰/۲۸$ و $p < ۰/۰۰۰۵$). ضریب همبستگی چندگانه برابر $R=۰/۴۳$ بود که تقریباً این مدل ۱۸ درصد از واریانس پرخاشگری را توجیه می‌کند ($R^2=۰/۱۸$ تنظیم شده). با توجه به همبستگی منفی بین عزت نفس و پرخاشگری ($r=-۰/۳۶۹$) حدود ۱۴ درصد واریانس پرخاشگری توسط عزت نفس پایین و بقیه توسط خودشیفتگی پیش‌بینی می‌شود. جدول ۴ اطلاعات مرتبط با این تحلیل را نشان می‌دهد.

جدول ۴. نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه برای پیش‌بینی پرخاشگری از خودشیفتگی و عزت نفس

متغیرها	B	SEB	β	p
خودشیفتگی	۱/۴۱	۰/۳۳	۰/۲۳	۰۰۰
عزت نفس	-۰/۵۸	۰/۰۸	-۰/۴۰	۰۰۰

برای بررسی تفاوت‌های جنسی در خودشیفتگی، عزت نفس و ابعاد پرخاشگری در نوجوانان از آزمون T مستقل استفاده شد. جدول‌های ۵ و ۶ نتایج

این تحلیل‌ها را نشان می‌دهند.

جدول ۵. نتایج آزمون T مستقل برای مقایسه میانگین‌های خودشیفتگی،

عزت نفس در نوجوانان دختر و پسر

متغیر	جنسیت	میانگین	انحراف معیار	t	درجه آزادی	معناداری
خودشیفتگی	پسر	۵/۰۸	۲/۹۷	-۰/۸۵	۲۵۶	۰/۳۹۴
	دختر	۵/۳۹	۲/۸۰			
عزت نفس	پسر	۹۷/۹۶	۱۱/۱۳	۰/۷۶	۲۵۶	۰/۴۴۷
	دختر	۹۶/۸۴	۱۲/۳۳			

همانطور که نتایج جدول ۵ نشان می‌دهند هیچ گونه تفاوت معناداری در متغیرهای خودشیفتگی و عزت نفس در بین نوجوانان دختر و پسر وجود ندارد ($P < ۰/۰۵$). بررسی جداگانه تفاوت‌های جنسی در نوجوانان در پرخاشگری و ابعاد آن نشان داد که فقط در بعد پرخاشگری فیزیکی بین نوجوانان دختر و پسر تفاوت معناداری وجود دارد ($P = ۰/۰۰۰$) و در سایر ابعاد پرخاشگری و در نمره کل پرسشنامه پرخاشگری هیچ گونه تفاوت معناداری بین دو جنس مشاهده نمی‌گردد. نتایج این بررسی در جدول ۶ آمده است.

جدول ۶. نتایج آزمون T مستقل برای مقایسه میانگین‌های ابعاد پرخاشگری در نوجوانان دختر و پسر

متغیر	جنسیت	میانگین	انحراف معیار	t	درجه آزادی	معناداری
پرخاشگری کلامی	پسر	۱۴/۴۴	۳/۸۴	۰/۹۱	۲۵۶	۰/۳۶۱
	دختر	۱۴/۰۲	۳/۵۵			
پرخاشگری فیزیکی	پسر	۲۵/۱۹	۶/۴۳	۳/۸۹	۲۵۶	۰/۰۰۰
	دختر	۲۲/۰۵	۶/۴۹			
خشم	پسر	۱۹/۱۹	۵/۲۲	-۰/۷۹	۲۵۶	۰/۴۲۸
	دختر	۱۹/۷۱	۵/۲۰			

معناداری	درجه آزادی	t	انحراف معیار	میانگین	جنسیت	متغیر
۰/۸۸۶	۲۵۶	۰/۱۴۴	۵/۷۸	۲۲/۹۸	پسر	خصوصی. مت
			۴/۹۲	۲۲/۸۹	دختر	
۰/۱۳۹	۲۵۶	۱/۴۸	۱۸/۴۴	۸۱/۸۱	پسر	نمره کل پرخاشگری
			۱۵/۵۳	۷۸/۶۷	دختر	

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر به منظور بررسی رابطه بین خودشیفتگی، عزت نفس و پرخاشگری و مقایسه این متغیرها در نوجوانان دختر و پسر صورت گرفت. نتایج این پژوهش نشان داد که بین خودشیفتگی و عزت نفس در نوجوانان ارتباط مثبتی وجود دارد که این یافته با نتایج پژوهش‌های (لوا و همکاران، ۲۰۱۰؛ میلر و کمبل، ۲۰۰۸؛ بری و همکاران، ۲۰۰۷^b؛ زیگر، ۲۰۰۶؛ سلکایدز و همکاران، ۲۰۰۴؛ کمبل رادیچ و سلکایدز، ۲۰۰۲؛ سالیوان و جیزلن، ۲۰۰۱؛ کرنیس و سان، ۱۹۹۴؛ راسکین و همکاران، ۱۹۹۱؛ بامیستر و همکاران، ۱۹۹۶؛ واتسن و همکاران، ۱۹۹۲، ۱۹۹۶) همسو می‌باشد. جدا از ادبیات پژوهشی بزرگسالان این امکان وجود دارد که یک گرایش تحولی در ارتباط بین عزت نفس و خودشیفتگی وجود داشته باشد (هارتر، ۱۹۹۰). در کودکی ثبات عزت نفس پایین است و در خلال نوجوانی و بعد از آن افراد با بدست آوردن خودانگاره مثبت باتبات‌تر عزت نفسشان افزایش پیدا می‌کند (چزنسوسکی و همکاران، ۲۰۰۳). نتایج این پژوهش نشان داد که در نوجوانان بین خودشیفتگی و پرخاشگری ارتباط معناداری وجود دارد که این یافته در جهت تایید نظریاتی است که خودشیفتگی را مرتبط با پرخاشگری می‌دانند (مورف و ردوال، ۲۰۰۱؛ بامیستر و همکاران، ۱۹۹۶) و با نتایج پژوهش‌های صورت گرفته در این زمینه نیز همسو می‌باشد (آنجن، ۲۰۱۰؛ لوا و همکاران، ۲۰۱۰؛ لاک، ۲۰۰۹؛ گلرامی و بری، ۲۰۱۰؛ بری و همکاران، ۲۰۰۹؛ بری و همکاران، ۲۰۰۷^b؛ لپسلی و آلسما، ۲۰۰۶؛ انگ و یوسف، ۲۰۰۶؛ جیرجیس، ۲۰۰۶؛ دونلن و همکاران، ۲۰۰۵؛ بامیستر و

بودن، ۱۹۹۸؛ بامیستر و همکاران، ۱۹۹۶، ۲۰۰۳؛ کرکپتريک و همکاران، ۲۰۰۲؛ راسکین و همکاران، ۱۹۹۱؛ بساک نژاد و همکاران؛ ۱۳۸۸). تظاهر خودشیفتگی در نوجوانی به صورت چند وجهی می‌باشد. از یک جنبه خودشیفتگی می‌تواند ناسازگارانه و نهان باشد و به صورت حساسیت زیاد نسبت به دیگران و افزایش اضطراب در موقعیت‌های اجتماعی خودش را نشان دهد. از طرف دیگر خودشیفتگی می‌تواند سازگارانه باشد زمانی که در شکل آشکارش باعث تقویت عزت نفس و در نتیجه ایجاد شایستگی برای مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی گردد (هیل و لپسلی، ۲۰۱۰؛ وینک، ۱۹۹۱، ۱۹۹۶). نتایج این پژوهش نشان داد که بین پرخاشگری و عزت نفس در نوجوانان رابطه معکوسی وجود دارد به طوری که نوجوانانی که دارای عزت نفس پایین‌تری بودند در پرخاشگری نمرات بالاتری را کسب کرده بودند. این یافته با نظریاتی که در روان‌شناسی عزت نفس پایین را عامل پرخاشگری می‌دانند (برای مثال: فرگوسن و هورود، ۲۰۰۰؛ جنکاسکی، ۱۹۹۱؛ تاک، ۱۹۹۳؛ لانگ، ۱۹۹۰؛ پیز و آکرول، ۱۹۹۸) و با تلاش‌هایی که در جهت کاهش خشونت و پرخاشگری در نوجوانان بر روی تقویت کردن عزت نفس تکیه می‌کنند، همسو می‌باشد (دامیس و همکاران، ۲۰۰۸^a؛ تبات و همکاران، ۱۹۹۷) و در جهت نتایج پژوهش‌های صورت گرفته در ارتباط بین پرخاشگری و عزت نفس پایین می‌باشد (لوا و همکاران، ۲۰۱۰؛ لاک، ۲۰۰۹؛ بری و همکاران، ۲۰۰۷^b؛ دونلن و همکاران، ۲۰۰۵؛ اسکریر، ۲۰۰۲؛ فرگوسن و هورود، ۲۰۰۰؛ برنجن و همکاران، ۱۹۹۸؛ جنکاسکی، ۱۹۹۱؛ پیز و آکرول، ۱۹۹۸؛ اندرسون، ۱۹۹۴؛ تاک، ۱۹۹۳؛ لانگ، ۱۹۹۰؛ استاب، ۱۹۹۶). بررسی تفاوت‌های جنسی در متغیرهای عزت نفس و خودشیفتگی نشان داد که هیچ‌گونه تفاوت جنسی بین خودشیفتگی و عزت نفس در نوجوانان وجود ندارد که این یافته همسو با نتایج پژوهش‌های (حسینی نسب، ۱۳۸۱؛ مورف و ترنر، ۱۹۹۸) می‌باشد. بررسی تفاوت‌های جنسی در پرخاشگری و ابعاد آن نشان داد که فقط در بعد پرخاشگری فیزیکی بین نوجوانان دختر و پسر تفاوت معناداری وجود دارد و در سایر ابعاد پرخاشگری تفاوت معناداری بین دو جنس مشاهده نگردید که این یافته همسو با نتایج پژوهش‌های (پورشهریاری، ۱۳۸۸؛ کارد و

همکاران، ۲۰۰۸؛ آرچر، ۲۰۰۴) می‌باشد.

نتایج حاصل از این پژوهش نشان داد که خودشیفتگی با عزت نفس و پرخاشگری در نوجوانان ارتباط مثبتی دارد و همچنین عزت نفس پایین یکی از عوامل پیش‌بینی‌کننده و مرتبط با پرخاشگری در دوره نوجوانی می‌باشد. یافته‌های این پژوهش کاربردهای مهمی را برای مبحث پیشگیری و فعالیت‌های مداخله‌ای با نوجوانان پرخاشگر دارد. بر اساس یافته‌های این پژوهش می‌توان گفت که بالا بردن و تقویت عزت نفس در نوجوانان با استفاده از شیوه‌های شناختی - رفتاری به عنوان یک راهکار درمانی می‌تواند در جهت کاهش پرخاشگری نوجوانان و اصلاح خودانگار آنها سودمند باشد. در مجموع نتایج این پژوهش می‌تواند از جهت نظری و بالینی در فهم بهتر ارتباط بین خودشیفتگی، عزت نفس و پرخاشگری در دوره نوجوانانی سودمند باشد. بیشتر ادبیات پژوهشی مرتبط با موضوع پژوهش بر روی نمونه‌های غربی و افراد بزرگسال صورت گرفته بود بنابراین از جهت مقایسه نتایج این پژوهش با پژوهش‌های مشابه در داخل و خارج با محدودیت مواجه بودیم. از آنجا که نتایج این پژوهش نشان‌دهنده روابط علی و معلولی بین متغیرها نمی‌باشد، بنابراین پیشنهاد می‌شود مطالعات بعدی با استفاده از روش‌های مطالعه طولی به بحث علیت در این زمینه بپردازند. در این پژوهش از پرسشنامه‌های خود گزارشی برای سنجش متغیرهای پژوهش استفاده گردید. پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آینده از روش‌های اندازه‌گیری‌های مشاهده‌ای، مصاحبه و درجه‌بندی توسط دیگران (برای مثال والدین، معلمان و یا همسالان) استفاده شود.

منابع

- بساک نژاد، سودابه. (۱۳۸۸). *بررسی رابطه ابعاد خشم و شخصیت خودشیفته در دانشجویان دانشگاه شهید چمران اهواز*. اولین همایش سراسری جوان سالم سرمایه ملی، بوشهر.
- پورشهریاری، مه سیما. (۱۳۸۸). *بررسی رابطه شرم با ابعاد خشم و مقایسه آن در دانشجویان دانشگاه‌های تهران*. مطالعات روان‌شناختی، ۵ (۳): ۲۷-۴۶.
- حسینی نسب سیدداوود، وجدان پرست، حسین (۱۳۸۱). *بررسی رابطه عزت نفس با پیشرفت*

تحصیلی دانشجویان علوم پایه و علوم انسانی مراکز تربیت معلم. نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی (تبریز)، ۴۵ (۱۸۴-۱۸۳)، ۱۲۶-۱۰۱.

- حمزوی، فاطمه؛ قربانی، نیما. (۱۳۸۶). *خودشیفتگی و نقش‌های جنسی در نوجوانان دختر ایرانی. مطالعات زنان*، ۵ (۲): ۷۲-۵۵.

- فاتحی زاده مریم السادات، امامی طاهره، نجاریان بهمن. (۱۳۸۶). *بررسی میزان شیوع علائم اختلالات شخصیت ضداجتماعی، خودشیفته، نمایشی و مرزی در بین دانش آموزان دختر. دانشور رفتار*، ۱۴ (۲۲): ۵۸-۴۷.

- قربانی نیما، واتسن پل جی. (۱۳۸۵). *بررسی خودشیفتگی ناسالم در نمونه ای از دانشجویان ایرانی و آمریکایی. روانشناسی معاصر*، ۱ (۱): ۲۸-۲۰.

- محمدزاده، علی. (۱۳۸۸). *اعتبارسنجی پرسش نامه‌ی شخصیت خودشیفته در جامعه‌ی ایرانی. فصلنامه اصول بهداشت روانی*، شماره ۴۴، ۲۸۱-۲۷۴.

- American Psychiatric Association. (2000). *Diagnostic and statistical manual of mental disorders* (4th ed. , Text Revision). Washington, DC: Author.
- Ames DR, Rose P, Anderson, CP. (2006). *The NPI-16 as a short measure of narcissism*. J Res Pers; 40: 440-50.
- Anderson, E. (1994). *The code of the streets*. Atlantic Monthly. 273: 81-94.
- Ang, R. , & Yusof, N. (2005). *The relationship between aggression, narcissism, and self-esteem in Asian children and adolescents*. Current Psycholgy, 24 (2), 113-122.
- Archer, J. (2004). *Sex differences in aggression in realworld settings: A meta-analytic review*. Review of General Psychology, 8, 291 – 322.
- Barry CT, Frick PJ, Killian AL. (2003). *The relation of narcissism and self-esteem to conduct problems in children: A preliminary investigation*. Child Adolescent Psychology. 32: 139-152.
- Barry, C. T. , Grafeman, S. J. , Adler, K. K. & Pickard, J. D. (2007b). *The relations among narcissism, self-esteem, and delinquency in a sample of at risk adolescents*. Journal of Adolescents, 30 ,933-942.
- Barry, C. T. , Pickard, J. D. , & Ansel, L. L. (2009). *The associations of adolescent invulnerability and narcissism with problem behaviors*. Personality and Individual Differences, 47, 577-582.
- Barry, T. D. , Thompson, A. , Barry, C. T. , Lochman, J. E. , Adler, K. , & Hill, K. (2007c). *The importance of narcissism in predicting proactive and reactive aggression in moderately to highly aggressive children*. Aggressive Behavior, 33, 185-197.

- Baskan, A. G. & Erduran, Y. (2009). *Major issues of educational reform in China and Russian federation in the last decades of 20th century*. Cypriot Journal of Educational Sciences, 4, 2.
- Baumeister RF, Boden JM. (1998). *Aggression and the self: High self esteem, low self-control, and ego threat*. In: Green RG, Donnerstein E (eds): “Human Aggression: Theories, Research, and Implications for Social Policy,” Philadelphia: Psychology Press, pp 111–137.
- Baumeister RF, Bushman BJ, Campbell WK. (2000). *Self-esteem, narcissism, and aggression: Does violence result from low self esteem or from threatened egotism?* Curr Dir Psychol Sci 9: 26–29.
- Baumeister RF, Campbell JD, Krueger JI, Vohs KD. (2003). *Does high self-esteem cause better performance, interpersonal success, happiness, or healthier lifestyles?* Psychol Sci Public Interest 4: 1–44.
- Baumeister, R. F. , Smart, L. , & Boden, J. M. (1996). *Relations of threatened egotism to violence and aggression: The dark side of high self esteem*. Psychological Review, 101, 5-33.
- Bettencourt, B. A. , Talley, A. , Benjamin, A. J. , & Valentine, J. (2006). *Personality and aggressive behavior under provoking and neutral conditions: A meta-analytic review*. Psychological Bulletin, 132,751–777.
- Brendgen, M. , Vitaro, F. , & Bukowski, W. M. (1998). *Affiliation with delinquent friends: Contributions of parents, self-esteem, delinquent behavior, and rejection by peers*. Journal of Early Adolescence, 18, 244–265.
- Brown, R. P. , & Zeigler-Hill, V. (2004). *Narcissism and the non-equivalence of self-esteem measures: A matter of dominance?* Journal of Research in Personality, 38, 585 –592.
- Bushman, B. J. , & Baumeister, R. F. (1998). *Threatened egotism, narcissism, self-esteem, and direct and displaced aggression: Does self-love or self-hate lead to violence?* Journal of Personality and Social Psychology, 75, 219-229.
- Bushman, B. J. , & Baumeister, R. F. (2002). *Does self-love or self-hate lead to violence?* Journal of Research in Personality, 36, 543-545.
- Buss, A. H & Perry, M, (1992). *The Aggression Questionnaire*, Journal of Personality and Social Psychology, 63,452- 459.
- Campbell, W. K. , & Foster, J. D. (2007). *The narcissistic self: Background, an extended agency model, and ongoing controversies*. In C. Sedikides & S. Spencer (Eds.), *Frontiers in social psychology: The self* (pp. 115–138). Philadelphia, PA: Psychology Press.
- Campbell, W. K. , Rudich, E. , & Sedikides, C. (2002). *Narcissism, self-esteem, and the positivity of self-views. Two portraits of self-love*. Personality and Social Psychology Bulletin, 28, 358–368.
- Card, N. A. ; Stucky, B. D. ; Sawalani, G. M. ; Little, T. D. (2008). *Direct*

- and indirect aggression during childhood and adolescence: A meta-analytic review of gender differences, intercorrelations, and relations to maladjustment.* Child Development 79 (5): 1185–1229.
- Chen, L. (2006). *Narcissism and Self-Esteem. The Role of Self-Esteem in Narcissistic Adolescence.* Psychology 220, Section 1.
 - David, C. F. , and Kistner, J. A. (2000). *Do positive self-perceptions have a “dark side”?* Examination of the link between perceptual bias and aggression. J. Abnorm. Child Psychol. 28: 327–337.
 - DE Öngen. (2010). *Relationships between narcissism and aggression among non-referred Turkish university students.* Procedia-Social and Behavioral Sciences.
 - Donnellan, B. M. , Trzesniewski, K. H. , Robins, R. W. , Moffitt, T. E. , & Caspi, A. (2005). *Low self-esteem is related to aggression, antisocial behavior, and delinquency.* Psychological Science, 16, 328–335.
 - Esposito, A. J. , Kobak, R. , & Little, M. (2005). *Aggression and self-esteem: A diary study of children’s reactivity to negative interpersonal events.* Journal of Personality, 73, 887 – 906.
 - Fergusson, D. M. , & Horwood, L. J. (2002). *Male and female offending trajectories.* Development and Psychopathology, 14, 159–177.
 - Foster, J. D. , & Campbell, W. K. (2007). *Are there such things as “Narcissists” in social psychology? A taxometric analysis of the Narcissistic Personality Inventory.* Personality and Individual Differences, 43, 1321-1332.
 - Girgis, A. (2006). *Violence from Self-Love: Narcissism and Aggression in the Face of Ego Threat.* Psychology Honors Theses. Paper 3. http://digitalcommons.trinity.edu/psych_honors/3.
 - Golmaryami, F. N. , & Barry, C. T. (2010). *The associations of self-reported and peer-reported relational aggression with narcissism and self-esteem among adolescents in a residential setting.* Journal of Clinical Child and Adolescent Psychology, 39, 128–133.
 - Harter, S. (2006). *The self.* In W. Damon & R. Lerner (Series Eds.) & N. Eisenberg (Vol. Ed.). Handbook of child psychology: Vol. 3. Social, emotional, and personality development (pp. 505 – 570). New York: Wiley.
 - Harter S. (1990). *Processes underlying adolescent self-concept formation.* In: Montemayor R, Gerald AR, Gullotta TP (eds): “From Childhood to Adolescence: A Transitional Period? Advances in Adolescent Development: An Annual Book Series,” Vol. 2, Thousand Oaks: Sage Publications, Inc. , pp 205–239.
 - Heatherton, T. E. , & Vohs, K. D. (2000). *Interpersonal evaluations following threats to self: Role of self-esteem.* Journal of Personality and Social Psychology, 78, 725-736.

- Hill, P. L & Lapsley, D. K. (2010). *Adaptive and Maladaptive Narcissism in Adolescent Development*. Implications of narcissism and Machiavellianism for the development of prosocial and antisocial behavior in youth. Washington, D. C. : APA Press.
- Hymel, S. , Rubin, K. H. , Rowden, L. , and LeMare, L. (1990). *Children's peer relationships: Longitudinal prediction of internalizing and externalizing problems from middle to late childhood*. Child Dev. 61: 2004–2021.
- Jankowski, MS (1991). *Islands in the Street: Gangs and American Urban Society*. Berkeley: University of California Press.
- Kernis MH, Sun C. (1994). *Narcissism and reactions to interpersonal feedback*. J Res Pers 28: 4–13.
- Kernis, M. H. , Cornell, D. P. , Sun, C. R. , Berry, A. , & Harlow, T. (1993). *There is more to self-esteem than whether it is high or low: The importance of stability of self-esteem*. Journal of Personality and Social Psychology, 65, 1190-1204.
- Kirkpatrick L, Waugh C, Valencia A, Webster G. (2002). *The functional domain specificity of self-esteem and the differential prediction of aggression*. J Pers Soc Psychol 82: 756–767.
- Lapsley DK, Aalsma MC. (2006). *An empirical typology of narcissism and mental health in late adolescence*. J Adolesc 29: 53–71.
- Lau, K. S. L. , Marsee, M. A., Kunimatsu, M. M. , & Fassnacht, G. M. (2010). *Examining associations between narcissism, behavior problems, and anxiety in non-referred adolescents*. Child and Youth Care Forum. 1053-1890.
- Lochman JE, Dodge KA. (1994). *Social–cognitive processes of severely violent, moderately aggressive, and nonaggressive boys*. J Consult Clin Psychol 62: 366–374.
- Locke, K. D. (2009). *Aggression, narcissism, self-esteem, and the attribution of desirable and humanizing traits to self versus others*. Journal of Research in Personality, 43, 99–102.
- Loeber, R., & Hay, D. (1997). *Key issues in the development of aggression and violence from childhood to early adulthood*. Annual Review of Psychology, 48, 371 – 410.
- Long ,DE. (1990). *The Anatomy of Terrorism*. New York: Free Press.
- Martinez MA, Zeichner A, Reidy DE, Miller JD. (2008). *Narcissism and displaced aggression: Effects of positive, negative, and delayed feedback*. Pers Individ Dif 44: 140–149.
- Miller, Joshua D. ; Campbell, W. Keith. (2008). *Comparing clinical and social-personality conceptualizations of narcissism*. Journal of Personality, Vol 76 (3), 449-476.
- Morf, C. C., & Rhodewalt, F. (2001). *Unravelling the paradoxes of*

- narcissism: A dynamic self-regulatory processing model*. Psychological Inquiry, 12: 177-196.
- Papps BP, O’Carroll RE. (1998). *Extremes of self-esteem and narcissism and the experience and expression of anger and aggression*. Aggr Behav 24: 421–438.
 - Raskin, R. , Novacek, J. , & Hogan, R. (1991). *Narcissistic self-esteem management*. Journal of Personality and Social Psychology, 60, 911-918.
 - Reidy, D. E., Zeichner, A. , Foster, J. D. , & Martinez, M. A. (2008). *Effects of narcissistic entitlement and exploitativeness on humanphysical aggression*. Personality and Individual Differences, 44, 865-875.
 - Rhodewalt, F. , & Morf, C. C. (1995). *Self and interpersonal correlates of the Narcissistic Personality Inventory: A review and new findings*. Journal of Research in Personality, 29, 1-23.
 - Salmivalli C. (2001). *Feeling good about oneself, being bad to others? Remarks on self-esteem, hostility, and aggressive behavior*. Aggr Violent Behav 6: 375–393.
 - Schreer, G. E. (2002). *Narcissism and aggression: Is inflated self-esteem related to aggressive driving?* North American Journal of Psychology, 4, 333-341.
 - Sedikides, C., Rudich, E., Gregg, A., Kumashiro, M., & Rusbult, C. (2004). *Are normal narcissists psychologically healthy? Self-esteem matters*. Journal of Personality and Social Psychology, 87, 400–416.
 - Smalley RL, Stake JE. (1996). *Evaluating sources of ego-threatening feedback: Self-esteem and narcissism effects*. J Res Pers 30: 483–495.
 - Staub, E. (1996). *Altruism and aggression in children and youth: Origins and cures*. In R. S. Feldman (Ed.), The psychology of adversity (pp. 115-144). Amherst, MA: University of Massachusetts Press.
 - Stucke TS, Sporer SL. (2002). *When a grandiose self-image is threatened: Narcissism and self-concept clarity as predictors of negative emotions and aggression following ego-threat*. J Pers 70: 509–532.
 - Sullivan, B. F. , & Geaslin, D. L. (2001). *The role of narcissism, self-esteem, and irrational beliefs in predicting aggression*. Journal of Social Behavior and Personality, 16, 53–68.
 - Tebbutt, J. , Swanston, H., Oates, R. K. ,&O’Toole, B. I. (1997). *Five years after child sexual abuse: Persisting dysfunction and problems of prediction*. Journal of the American Academy of Child and Adolescent Psychiatry, 36, 330–339.
 - Thomaes, S., Bushman, B. J., Stegge, H., & Olthof, T. (2008 a). *Trumping shame by blasts of noise: Narcissism, self-esteem, shame, and aggression in young adolescents*. Child Development, 79, 1792-1801.
 - Thomaes, S . Stegge, H . Bushman, B. J. Olthof, T & Denissen, J. (2008b). *Development and validation of the Childhood Narcissism Scale*.

- Journal of Personality Assessment, 90, 382–391.
- Toch, H. (1993). *Violent Men: An Inquiry into the Psychology of Violence*. Washington, DC: Anderson E (May 1994): The code of the streets. *Atlantic Monthly* 273: 81–94.
 - Trzesniewski KH, Donnellan MB, Robins RW. (2003). *Stability of self-esteem across the lifespan*. *J Pers Soc Psychol* 84: 205–220.
 - Trzesniewski, K. H., Donnellan, M. B., & Moffitt, T. E. (2006). *Low self-esteem during adolescence predicts poor health, criminal behavior, and limited economic prospects during adulthood*. *Developmental Psychology*, 42, 381–390.
 - Tschanz, B. T., Morf, C. C., & Turner, C. W. (1998). *Gender differences in the structure of narcissism: a multi-sample analysis of the Narcissistic Personality Inventory*. *Sex Roles*, 38, 863–870.
 - Twenge JM, Campbell WK. (2003). *Isn't it fun to get the respect that we're going to deserve?* Narcissism, social rejection, and aggression. *Pers Soc Psychol Bull* 29: 261–272.
 - Washburn, J. J., McMahon, S. D., King, C. A., Reinecke & M. A. Silver, C. (2004). *Narcissistic features in young adolescents: Relation to aggression and internalizing symptoms*. *Journal of Youth and Adolescents*, 33, 247-260.
 - Watson, P. J., Hickman, S. E., & Morris, R. J. (1996). *Self-reported narcissism and shame: Testing the defensive self-esteem and continuum hypotheses*. *Personality and Individual Differences*, 21, 253-259.
 - Watson, P. J., Little, T., Sawrie, S. M., & Biderman, M. D. (1992). *Measures of the narcissistic personality: Complexity of relationships with self-esteem and empathy*. *Journal of Personality Disorders*, 6, 433-448.
 - Wink, P. (1991). *Two faces of narcissism*. *Journal of Personality and Social Psychology*, 61, 590 – 597.
 - Wink, P. (1996). Narcissism. In C. G. Costello (Ed.) *Personality characteristics of the personality disordered* (pp. 146-172). New York: Wiley.
 - Zeigler-Hill, V. (2006). *Discrepancies between Implicit and Explicit Self-esteem: Implications for Narcissism and self-esteem instability*. *Journal of Personality*, 74, 119-143.